

# رابطه قانون‌گرایی

## با کاهش جرم



۵- قانون‌گرایی در جامعه تابعی از کارآمدی نظام حقوقی است.  
(ب) فرضیه‌های خرد

۱- بین سن و گرایش به قانون‌پذیری رابطه وجود دارد.

۲- بین میزان سواد و تحصیلات و قانون‌پذیری رابطه وجود دارد.

۳- بین وجود هنجار در جامعه و قانون‌پذیری افراد رابطه وجود دارد.

۴- بین آموزش بی‌هنجاری و قانون‌گرایی (قانون‌پذیری) رابطه معکوس وجود دارد.

۵- بین مشکلات روحی و روانی افراد و قانون‌پذیری رابطه معکوس وجود دارد.

۶- بین مشکلات اقتصادی و قانون‌پذیری رابطه معکوس وجود دارد.

۷- بین مساعد بودن شرایط محیطی و قانون‌پذیری رابطه وجود دارد.

۸- بین طرز تلقی و نگرش افراد از قانون و قانون‌پذیری رابطه مستقیم وجود دارد.

۹- بین میزان آگاهی و آموزش افراد از هنجارها و قوانین و قانون‌پذیری رابطه وجود دارد.

در این تحقیق، دو دسته فرضیه مورد بررسی قرار گرفته است: فرضیه‌های کلان و خرد.

(الف) فرضیه‌های کلان

۱- قانون‌گرایی و قانون‌پذیری تابعی از کیفیت فرایند جامعه‌پذیری (اجتماعی‌شدن) است. پس می‌توان گفت: بین جامعه‌پذیری افراد و قانون‌پذیری رابطه معناداری وجود دارد.

۲- قانون‌گرایی و قانون‌پذیری تابعی از ساخت اجتماعی و کارآمدی نهادهای آن است.

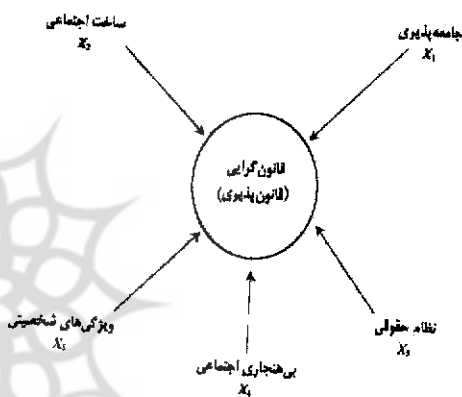
۳- بین ویژگی‌های شخصیتی افراد و قانون‌گرایی (قانون‌پذیری) رابطه معناداری وجود دارد.

۴- قانون‌ستیزی تابعی از بی‌هنجاری اجتماعی است. به طوری که بین کارآمدی هنجارها و نهادینه‌سازی قواعد عمومی و هنجارهای اجتماعی و قانون‌پذیری رابطه معناداری وجود دارد.



- ۱۰- بین ضعف قوانین و قانون‌پذیری رابطه معکوس وجود دارد.
- ۱۱- بین نبود نظارت و کنترل و قانون‌پذیری رابطه معکوس وجود دارد.
- ۱۲- بین محدودیت‌های ارضای نیازها و قانون‌پذیری رابطه معکوس وجود دارد.
- ۱۳- بین تضاد با نیاز (منافع) و قانون‌پذیری رابطه معکوس وجود دارد.
- ۱۴- بین تحمیلی بودن قوانین (هنجارهای بیرونی) و قانون‌پذیری رابطه معکوس وجود دارد.
- ۱۵- بین عدالت توزیعی و قانون‌پذیری رابطه مستقیم وجود دارد.

بین قانون‌گرایی و ساخت اجتماعی با مشخصه مشکلات اقتصادی جامعه رابطه معکوس وجود دارد. به طوری که هر چه افراد از مسائل و مشکلات اقتصادی برخوردار باشند، گرایش آنها به شکستن هنجارها و قوانین افزایش می‌یابد.



این طرح با استفاده از روش تحقیق توصیفی - زمینه‌یابی که روش تحقیق میدانی (Field Research)، روش غالب تحقیق بوده است اجرا در آمده است.

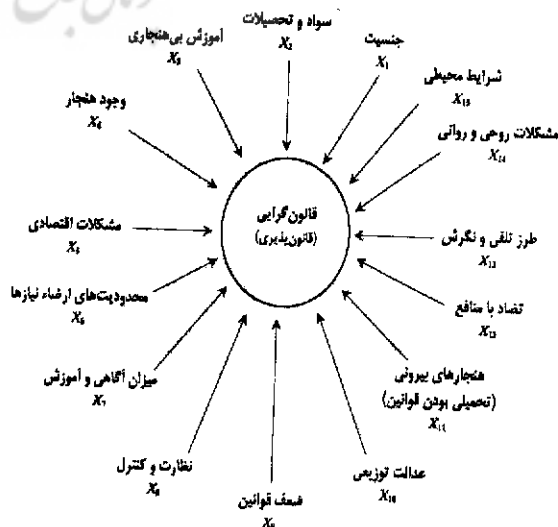
واحد تحلیل یا نمونه این طرح، متخلفین از قوانینند که در محدوده جغرافیایی استان مازندران مرتکب آن شده‌اند و از این رهگذر جریمه‌هایی متوجه آن‌ها شده است. به این ترتیب، واحد تحلیل یا نمونه تحقیق "فردی" است که از قانون تخلف کرده است. در این جا قانون علاوه بر قوانین قضایی و جزایی شامل قوانین راهنمایی و رانندگی نیز می‌شود.

جامعه آماری این تحقیق را افرادی تشکیل داده‌اند که از تاریخ ۱۳۸۰/۱۱/۱ تا ۱۳۸۱/۱۱/۳۰ در دو حوزه قوانین جزایی و راهنمایی و رانندگی تخلفاتی داشته‌اند که مشمول گذراندن دوران محکومیت پرداخت جزای نقدی و جریمه‌های مالی شده‌اند.

جمعیت آماری تحقیق به شرح زیر است:

الف) متخلفین از قانون (به استثنای قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی) بنا به گزارش واصله از دادگستری استان مازندران: ۲۳۲۰ نفر.  
 ب) متخلفین از قانون (قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی) بنا به گزارش واصله از راهنمایی و رانندگی استان مازندران: ۲۶۱۵۸ مورد.  
 به این ترتیب جامعه آماری را جمعیتی معادل ۲۸۴۷۸ نفر تشکیل می‌دهند.

نمونه‌های این تحقیق به روش نمونه‌گیری تخمینی (Sampling Estimate) به دست آمده است که شامل ۱۰٪ از بند اول جامعه آماری (۲۳۰ نفر) و ۵۲۰ نفر از بند دوم را در بر می‌گیرد.



حجم نمونه این تحقیق برابر با ۷۵۰ نفر است.

داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز این تحقیق با استفاده از ابزار و تکنیک‌های زیر به دست آمده است:

۱- فیش تحقیق (در بررسی منابع و عملیات فیش برداری از منابع مورد مطالعه و تحقیق)

۲- مصاحبه (با زندانیان و متخلفین و مسؤولین قضایی و راهنمایی و رانندگی استان مازندران)

۳- پرسش‌نامه (پرسش‌نامه محقق ساخته با استفاده از متغیرها و فرضیه‌های تحقیق)

تکذیب غالب که عمده داده‌های لازم با استفاده از آن به دست آمده است، پرسش‌نامه است.

داده‌های این طرح با استفاده از ابزارهای آمار توصیفی و استنباطی آنالیز شده اند.

جهت آزمون فرضیه‌ها و سنجش روابط بین متغیرها از ضرایب آمار کاری "اسکوئر" ( $X^2$ ) و همبستگی "چوپروف" (Pt) و "پیرسون" (C) استفاده شده است.

#### ۱- نتایج توصیفی

۱-۱: مردان بیش‌تر از زنان از پذیرش قانون سرباز می‌زنند.

۱-۲: گروه سنی ۳۰ تا ۴۰ سال کمتر از سایر گروه‌های سنی پذیرای قانون بودند.

۱-۳: اکثر نمونه‌های مورد مطالعه (۶۲/۹٪) دارای مشکل اقتصادی بوده‌اند.

۱-۴: اکثریت نمونه‌های مورد مطالعه چندین بار به علت عدم رعایت قوانین و مقررات جریمه شده‌اند.

۱-۵: پنجاه و پنج درصد (۵۵/۳٪) نمونه‌های مورد مطالعه خودشان را قانون‌گرا و پایبند به قوانین و مقررات قلمداد می‌کردند.

۱-۶: نیمی از نمونه‌های مورد مطالعه بر این نظر بودند که قوانین درست و کارآمد که جنبه اجرایی داشته باشند، وضع نمی‌شود.

۱-۷: بیش از نیمی از افراد مورد مطالعه بر این نظر بودند که قانون‌گذاران، به قوانین وضع شده عمل می‌کنند.

۱-۸: در خصوص تخلف رانندگی، بسیاری از رانندگان (حدوداً ۵۵٪) محیط رانندگی (اعم از استاندارد نبودن جاده‌ها، فقدان پارکینگ‌های اختصاصی و...) را بسیار نامساعد و زمینه‌ساز جریمه ذکر کرده‌اند.

۱-۹: قریب به نیمی از نمونه‌های مورد مطالعه، وجود برنامه‌های آموزشی (رسمی و غیر رسمی) نادرست را در قانون‌گریزی مؤثر می‌دانستند.

۱-۱۰: درصد قابل توجهی از افراد مورد مطالعه (۴۵/۳٪) تضاد منافع فردی‌شان با قانون را در عدم پذیرش قانون (قانون‌گریزی) مؤثر

دانسته‌اند.

۱-۱۱: حدوداً ۵۰٪ نمونه‌های مورد مطالعه بر این نظر بودند که قوانین موجود با نگرش‌ها و روحیات مردم انطباق لازم را ندارد.

۱-۱۲: اکثریت افراد مورد مطالعه (۶۲/۳٪) بر این نظر بودند که قوانین و مقررات جامعه برای همگان یکسان اجرا نمی‌شود.

۱-۱۳: بیش از ۶۶ درصد افراد، وجود مشکلات اقتصادی خودشان را در عدم پذیرش قوانین مؤثر دانسته‌اند.

#### ۲- نتایج تحلیلی

با توجه به سنجش روابط بین متغیرها و آزمون فرضیه‌ها، نتایج زیر به دست آمده است:

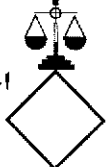
۲-۱: بین قانون‌گرایی و ویژگی‌های شخصیتی مثل میزان سواد افراد رابطه معناداری وجود دارد. به طوری که با افزایش میزان سواد و تحصیلات افراد، گرایش به قانون‌گرایی و قانون‌پذیری نیز بیش‌تر می‌شود. از همین روی می‌توان انتظار داشت هر چه بر اطلاعات، دانش و تحصیلات افراد در جامعه افزوده شود قوانین و مقررات از اقبال و پذیرش عمومی بیش‌تری برخوردار گردند.

۲-۲: بین قانون‌گرایی و ساخت اجتماعی با مشخصه مشکلات اقتصادی جامعه رابطه معکوس وجود دارد. به طوری که هر چه افراد از مسائل و مشکلات اقتصادی برخوردار باشند، گرایش آنها به شکستن هنجارها و قوانین افزایش می‌یابد. جرایم گروه‌های کم درآمد و محروم جامعه را می‌توان بر این اساس تبیین کرد. در این تحقیق، نمونه‌هایی که دارای مشکلات اقتصادی بوده‌اند گرایش کم‌تری به قانون‌پذیری داشته‌اند.

۲-۳: شرایط آنومیک (بی‌هنجاری اجتماعی) بر میزان قانون‌گرایی اثر منفی می‌گذارد. به صورت تجربی می‌توان گفت بین دو متغیر عدم وجود

قانون ستیزی تابعی از بی‌هنجاری اجتماعی است. به طوری که بین کارآمدی هنجارها و نهادینه‌سازی قواعد عمومی و هنجارهای اجتماعی و قانون‌پذیری رابطه معناداری وجود دارد.





هنجار و قواعد حقوقی و قانون‌گرایی رابطه معکوس وجود دارد. به طوری که هر اندازه شرایط محیطی و اجتماعی جامعه از هنجارها و قواعد حقوقی روشن و واضح برخوردار باشد میزان و گرایش پذیرش قانون و مقررات نزد افراد افزایش می‌یابد.

۲-۴: بین دو متغیر جامعه‌پذیری و قانون‌گرایی رابطه معناداری وجود دارد. به صورت تجربی این فرضیه در قالب روابط بین دو متغیر میزان آموزش و آگاهی و قانون‌گرایی دیده شده است. بر اساس این دو فرضیه، اگر نهادهای مسؤول بتوانند نقش و تأثیرات مثبت خودشان را در ارائه آموزش‌ها و آگاهی‌های لازم و کافی به افراد ایفا کنند و چگونگی زیستن در اجتماع را به درستی بیاموزند و از طرف دیگر، آموزش‌های رسمی و غیر رسمی به افراد داده شود می‌توان انتظار داشت قانون‌گرایی و قانون‌پذیری در جامعه نهادینه شود و میزان گرایش و پذیرش قانون و مقررات نزد افراد افزایش یابد.

۲-۵: بین کارآمدی نظام قوانین و قانون‌گرایی رابطه معناداری وجود دارد. به صورت تجربی این روابط بین دو متغیر "ضعف قوانین" و "قانون‌گرایی" آزمایش شده و رابطه معناداری بین آن‌ها برقرار شده است. بر این مبنا، اگر دستگاه‌های قانون‌گرا و نهادهای مسؤول قوانین کارآمدی را وضع نکنند و از سوی دیگر خلاء قانونی، ضعف‌ها و ابهاماتی در محتوای قوانین دیده شود، این دسته از قوانین با اقبال عمومی در سطح پایین مواجه می‌شود.

۲-۶: بین نظام حقوقی (مبتنی بر اعتقادات، باورها، گرایش‌ها، تمایلات و نگرش‌ها) با قانون‌گرایی رابطه معناداری وجود دارد. به صورت تجربی این فرضیه در سطح خرد بین دو متغیر "تحمیلی و اجباری بودن قوانین" و "قانون‌گرایی" آزمایش شده است بر این مبنا لازم است قانونگذاران با درک صحیح از شرایط زمانه، تحولات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور و جهان و با در نظر گرفتن گرایش‌ها، تمایلات، باورها و نگرش‌های مردمی قوانین پویا و قابلیت اجرایی را وضع کنند. در چنین صورتی است که می‌توان انتظار داشت میل و گرایش مردم به قانون‌گرایی و قانون‌پذیری نزد مردم افزایش یابد.

حقوقدانان و جامعه‌شناسان چون "ارلیک" بر این نظر بودند که قوانین موضوعه یک کشور باید قوانین زنده باشند. منظور از زنده بودن انطباق قوانین با روحیات، نگرش‌ها و باورهای عمومی و درک صحیح از شرایط و مقتضیات کنونی جامعه انسانی است. لذا می‌توان نتیجه گرفت در شرایطی که این انطباق وجود نداشته باشد قانون و مقررات بر مردم تحمیل شده و مردم در مرحله "جبرگرایی" قرار می‌گیرند و فرار از قانون افزایش می‌یابد.

به منظور کاهش میزان قانون‌گریزی و قانون شکنی در سطوح فردی و اجتماعی و جهت ارتقای فرهنگ قانون‌گرایی راهکارهای زیر پیشنهاد

می‌شود:

۱- افزایش شاخص‌های توسعه اقتصادی در جامعه (از جمله نرخ اشتغال و میزان درآمد)

۲- ارتقای شاخص‌های توسعه فرهنگی (لزوم رعایت حقوق افراد و جامعه، اولویت بخشیدن منابع و مصالح اجتماعی بر منافع فردی و ایجاد فرهنگ نظم‌پذیری جمعی).

۳- توسعه نظام قضایی و بهبود در نظام حقوقی جامعه.

۴- در دستگاه‌های قانونگذاری قوانین کارآمد و مفید وضع شود.

۵- قوانین بایستی به اندازه کافی روشن و صریح باشند و از ابهامات لازم که منجر به خود تفسیری شود، برخوردار نباشند.

۶- مجازات به موقع متخلفین از قانون و مقررات از سوی عناصر قانونی و نهادهای مسؤول.

۷- در وضع قوانین به باورها، گرایش‌ها، نگرش‌ها و تمایلات و ارزش‌های مردم توجه شود.

۸- بهبود در نظام آموزش و همگام کردن آن با ایجاد فرهنگ قانون‌پذیری در جامعه؛ از طریق گنجاندن دروس قانون و قانون‌پذیری در کتب درسی

۹- آرایه آموزش‌های لازم به دانش‌آموزان به منظور نهادینه شدن احترام به قانون

۱۰- ساخت فیلم‌ها و سریال‌های مفید و سازنده که در آن بر لزوم حفظ و احترام به قوانین بر همگان توصیه می‌شود.

۱۱- شناسایی شرایط نامساعد و تلاش در جهت بهسازی و توسعه شرایط محیطی به منظور ایجاد انگیزه نمایش و افزایش فرهنگ قانون‌گرایی.

۱۲- فعال‌سازی نهاد خانواده از طریق:

۱- اجرای قوانین و مقررات و دغدغه به موقع و درست انجام دادن آن از سوی والدین.

۲- آرایه آموزش‌های لازم از سوی والدین به فرزندان در مورد تأکید بر پایبندی و احترام به قوانین و مقررات.

۳- برنامه‌سازی در صدا و سیما و انتشار رسانه‌های مکتوب بایستی در راستای تقویت روحیه قانون‌گرایی در جامعه باشد.

۴- برای حمایت و اجرای قانون، باید علاوه بر ضمانت اجرایی منفی، از تشویق و ارائه جوایز برای کسانی که حکم آن را اجرا می‌کنند استفاده کرد.

۵- اجرای قوانین و لزوم پایبندی به آن بایستی یک اصل همگانی شناخته شود و از تبعیض در اجرای قانون و تأکید بر رعایت دقیق از سوی بخشی از مردم شدیداً پرهیز شود.

۶- استفاده بهینه از سرمایه اجتماعی جامعه (از طریق جلب اعتماد مردم به قوانین و قانونگذار و حذف نگرش‌های منفی در این خصوص).